

# ایک جادو

آوینی ہمان جوان بوسنیائی است

راہ طی شدہ

طلایہ دار، منرا انقلابی

قتلگاہ فک



# آینه حادو

اولین نشریه سینمایی رسانه ای دانشگاه الزهراء

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء

مدیر مسئول: مائده نيسازي

سرديير: محبوبه سادات صفوي

نويسندگان: زهرا ملكوتی پور، بهار سعیدی، مرضیه انبیری، فاطمه علیزادنيا، پریسا تیموری، محبوبه سادات صفوی، مائده نيسازي، زهرا غنی آبادی، زهرا جوان

صفحه آرا و تصویرساز: مائده نيسازي

ویراستار: فاطمه پیران

بازبینی نهایی: پریسا تیموری



# آینه جادو



شور آوینی مارا بر ان داشت تا قلم دست گیریم و به راه و روش او در برهه های مختلف اجتماعی ورود پیدا کنیم تا بتوانیم از این طریق همچون او و هم سنگراناش انقلاب خمینی(ره) را صادر کنیم و قلوب مردم حقیقت جو را تسخیر نماییم مردان بزرگ از اتفاقات و حوادث درس می گیرند و آن ها را تبدیل به فرصت می کنند. اتفاقاتی که اخیراً سرتیزتر همه ی اخبار و روزنامه ها شد، حوادثی بود که توجه همه ی ملل را به خود جلب کرد. اول شهادت سردار رشید اسلام، شهید سلیمانی به دست شقی ترین دولت مستکبر، و با فاصله ی اندک ظهور ویروس منحوسی که زندگی همه را اعم از فقیر و غنی درگیر کرد و درس های بسیاری برای همگان داشت. در رویداد شهادت جانسوز شهید سلیمانی، با توجه به حجمه های فراوانی که از سوی دشمن صورت می گرفت، حضور ده ها میلیون مردم در تشییع جنازه ی آن شهید بزرگوار، نظام و انقلاب را تثبیت و بیمه کرد و این حادثه تبدیل به فرهنگی شد که فرهنگ شهید سلیمانی نام گرفت و خون آن شهید زنده، فریاد مظلومیت و مقاومت را به گوش جهانیان رساند. با فاصله ی کمی حادثه ی ویروس کرونا جهانگیر شد و ایران نیز از این تهدید مستثنا نبود و در این صحنه، مدافعان سنگر سلامت با نشان پیروزی خوش درخشیدند. در همه ی این اتفاقات جای نگاهی خالی بود که حماسه ی ملت را در قاب ماندگار خود ثبت کند. حماسه ای که بر خلاف ۸ سال دفاع مقدس در خط مقدم آن زنان

۵

۷

۱۲

۱۴

۱۶

۱۸

۲۰



# از روی ناکند

زحرا ملکوتی پور

شهید سید مرتضی آوینی در بیست و یک شهریور سال ۱۳۲۶ در خانه ای شلوغ در شهری متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهرهای زنجان، کرمان و تهران به اتمام رساند. او از همان کودکی با هنر انس داشت و شعر می سرود، داستان و مقاله می نوشت و نقاشی می کشید. خاطره ای از دوران کودکی شهید آوینی از زبان خودشان: (( درسال ۱۳۳۶ شمسی مطابق با ۱۹۵۶ میلادی در کلاس ششم ابتدائی نظام قدیم مشغول درس خواندن بودم، در آن سال انگلیس و فرانسه به کمک اسرائیل شتافته و به مصر حمله کردند و بنده هم به عنوان یک پسر بچه ۱۳ - ۱۲ ساله تحت تاثیر تبلیغات آن روز کشورهای عربی یک روزی روی تخته سیاه نوشتم: خلیج عقبه از آن ملت عرب است. وقتی زنگ کلاس را زدند و همه ما بچه ها سر جایمان نشستیم اتفاقاً آقای مدیرمان آمد تا سری هم به کلاس ما بزند. وقتی این جمله را روی تخته سیاه دید پرسید: « این را که نوشته؟ » صدا از کسی درنیامد من هم ساکت، اما با حالتی پریشان سر جایم نشسته بودم. ناگهان یکی از بچه ها بلند شد و گفت: « آقا اجازه؟ آقا، بگیم؟ این جمله را فلانی نوشته » و اسم مرا به آقای مدیر گفت. آقای مدیر هم کلی سر و صدا کرد و خلاصه اینکه: « چرا وارد معقولات شدی؟ » و در آخر گفت: « بیا دم در دفتر تا پرونده ات را بزنم زیر بغلت و بفرستمت خانه. » البته وساطت یکی از معلمین، کار را درست کرد و من فهمیدم که نباید وارد معقولات شد

**SS**  
**شهید آوینی متولد شهریور ۱۳۲۶**  
 در شهرهای و معروف ترین ساخته  
 او مجموعه روایت فتح است. او در  
 سال ۱۳۷۲ در فک، با اصابت ترکش  
 مین به درجه شهادت نائل شد

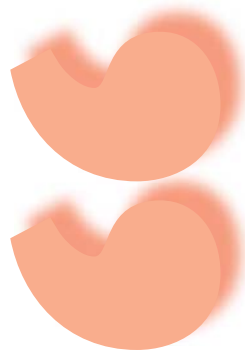
بعدها هم که در عالم نوجوانی و جوانی، گهگاه حرفهای گنده گنده و سؤالات قلبیه سلمه می کردیم معمولاً به زبان های، مختلف حالمان می، کردند که وارد معقولات نباید

بزند. تقدیر این بود که پیل را کنار بگذاریم و دوربین برداریم. بعدها «حسین هاشمی» با آغاز تجاویزات مرزی رژیم بعث به جبهه رفت و در روز اول جنگ در قصر شیرین اسیر شد--به همراه یکی از برادران جهاد بنام «محمد رضا صراطی»-- ما با چند تن از برادران دیگر، کار را تا امروز ادامه دادیم. حقیر هیچ کاری را مستقلاً انجام نداده ام که بتوانم نام برم. در همه فیلم هایی که در گروه جهاد سازندگی ساخته شده است سهم کوچکی نیز - اگر خدا قبول کند - به ((این حقیر می رسد و اگر خدا قبول نکند که هیچ با پایان جنگ و پذیرش قطع نامه ساخت مستند روایت فتح متوقف شد اما در سال ۱۳۷۰ با دستور آیت الله خامنه ای موسسه فرهنگی روایت فتح تاسیس گردید تا به کار فیلم سازی درباره دفاع مقدس پردازد و تهیه مجموعه روایت فتح را ادامه دهد.



و همزندان گرفتار خودشان هستند. به فرموده خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی «رحمه الله علیه ((، تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز با ساختن مجموعه «خان گزیده ها»، «شش روز در ترکمن صحرا» و «سیل خوزستان» شروع کرد و بعد از مدتی در گروه تلویزیونی جهاد به عنوان نماینده جهاد سازندگی فیلم سازی کرد. مجموعه روایت فتح که معروف ترین و به یاد ماندنی ترین اثر اوست در این گروه تولید شده است. گروه جهاد اولین گروهی بود که به جبهه های جنگ رفتند و با وجود تازه کار بودن بعد از سقوط شهر خرمشهر، برای جست و جو در حقیقت ماجرا به خرمشهر و آبادان رفتند و تولید مجموعه حقیقت را رقم زدند. والفجر هشت که شروع شد گروه منسجم شده بود و مجموعه روایت فتح در این روزها شکل گرفت و تا آخر جنگ ادامه داشت

لای تبديل شد و تمام گذشته تضي آوينی در سال ۱۳۵۶ با ج کرد. آنها از پانزده سالگی و کتاب رد و بدل می کردند. خترانی می رفتند. ازدواج آنها و برق های آن روزها بود ، و به ضرورت معماری را یاد سازندگی مشغول شد و ردم دیده اند به فیلم سازی در این باره می گوید: (( معماری از دانشکده هنرهای منسجم. اما کاری را که اکنون ما تحصیلاتم مربوط دانست. ام از خارج دانشگاه است گویم که تخصص حقیقی در



زین‌العراقی را که ستایش کنان از او یاد می‌کرد می‌شناسیم، سیدروح‌الله الموسوی‌الخمنی، بلکه بیراه نیست اگر عشق الهی را که اسباب سوختن و تولد دوباره آوینی شد را در علاقه‌ی او به امام امت بیابیم، همان امامی که آوینی برایش نوشت گمانم نبود بعد از او چنانم اما تلمیذ مکتب او

هست که اینبار جانشین برحق باشد. بلکه، باید گذاشت خودش خودش را با تعریف کند، او کلاس غرب زدگی را با نمره‌ی بالا پاس کرد، و کلاس انقلابی‌گری را با نمره‌ی بالاتر و راه یافت به وادی انسان‌های کامل بنویسند تا اصلاحی به عمل بیاورند و یا آیندگان را دعوت به تداوم این راه برای اصلاح کنند. آوینی برای ما سید شهدان اهل قلم است و آن چه از قلم او باقی مانده حجت ما است. چه مجموعه‌ی فتح خون، چه حلازون‌های خانه بدوش و چه آینه‌ی جادو... اگر آن تحفه‌ی صدام‌حسین یعنی آن مین منحوس در فگه باقی مانده بود شاید چند دهه‌ی دیگر هم در فراق آن یاری که انقلاب درونی چنان که شاعر می‌گوید: صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید، ژاله‌ی

منی داند خلاصه یک‌پا روشنفکر کافه گرد امروزی بود که می‌توان امروزه امثال آن‌ها را از بین دود غلیظ سیگار و قلیان در کافه‌های میدان انقلاب پیدا کنیم. اما بعد چه شد؟ کسی چه می‌داند چگونه اتفاق افتاد ولی همه از آن چه بعد از آن روزهای تیپ‌هنری رخ داد خبر دارند.

کسلی بین کامران و مرتضی وجود دارد که هر کسی از ظن خود می‌خواهد پرکننده‌ی این شکاف باشد و برخی کامران را برگزیدند و دیگران مرتضی را. اما اگر ما بخواهیم بگوییم چه شد: از در درآمدی و من از خود به در شدم، گویی که از جهانی به جهان دگر شدم؛ وقتی سید می‌گوید در روزهای انقلاب اسلامی هر آنچه گفتم و سرودم را در یک گونی ریختم و آتش زدم کاغذ نبود که سوخت خود او بود که شعله کشید اما حیات ققنوس مانند او مولود جدیدی را به سیاره ما هدیه کرد. کسی که برای ثبت در تاریخ درباره‌ی خود نوشت که تصمیم دارد حدیث نفس و تراوشات ذهنی خود را کنار بگذارد و هنر و تخصص را در سایه‌ی تعهد به اسلام و برای خدا به کار گیرد که غیر از این ارزشی ندارد. تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

## دینال مرتضی

دینال مرتضی مرده هستید. باشد اگر کامران همان آتش دهن سوز شما بوده یعنی همان معتاد بی‌ثباتی که می‌گویید ما دینال جوانی و میانسالی و کودکی او نیستیم ما دینال انسان کاملی هستیم که آوینی از خود ساخت. از ما نخواهند زیاد گذشته را شرحه شرحه کنیم برای خاطر اغیار و گرنه به تصویر یک جوان بوسنیایی می‌رسیم که در سال‌های سازندگی چهره‌ی غربی طور دارد اما سربند الله اکبر انقلاب ما را به پیشانی بسته است این تصویری است که آوینی در سوره خود چاپ می‌کند و توبیخ وزارت ارشاد خاتمی را به جان می‌خرد. اما تصویر آن جوان بوسنیایی گویی همان وحدتی است بین کامران هنرمند و مرتضی دینال شهادت. بلکه ما به دینال نتیجه‌ی یک عمر می‌گردیم که آوینی از آن به بازگشت از راه طی شده تعبیر می‌

## مرضیه‌انبری

مناوت و بهم مرتبط بودند که رای ما باز گو کرده اند. بهنود گفت که اهل دود و دم بود و باید جنازه‌ی او را از دانشکده دیگران گفته اند مرتضی چنین عجزین اسیر در خاطرات برای همه و وی از ابتدا در خانواده‌ی بود! و خلاصه این دو گروه در آن دوان و خندان! و هر بار ۲۰ سال تازه تر می‌شود و انگشت‌شان به دندان! به هرجهت برای مرتضی یا همان کامران به برای کسانی که بعد از انفجار استان و غیر و ذالک اطراف



# شهری

سقوط خرمشهر، سید مرتضی است و جوی حقیقت ماجرا به سبب آن که سخت در محاصره بود. زده قسمتی حقیقت که یکی عامل سقوط خرمشهر بود این بخت های گروه جهاد با شروع لانسجم و به هم پیوسته ای، خاطره انگیز روایت فتح نیز، جگر هشت شروع شد. شهید طبوعاتی خود را در اواخر سال مشارکت در جبهه‌ها و تهیه‌ی رهی جنگ، با نگارش مقالاتی در وابسته به ارگان انجمن اسلامی ت طیف وسیعی از موضوعات ادبی و عبادی را در بر می‌گرفت. و عبادی نیز تحقیق و تفکر خویش را به صورت مقالاتی ی تکامل، «تحقیقی در معنی سل سلوک جمعی بشر» به چاپ اراش این قبیل مقالات، مجموعه «تحقیقی مکتبی در باب غرب» برای ماهنامه‌ی «جهاد»،

ده‌گانه‌ی آن را نوشت. اما در حالی که کار تحقیق در مورد وقایع روز عاشورا و شهادت بنی‌هاشم را انجام داده و نگارش فصل آخر را آغاز کرده بود به دلایلی کار خود را ناتمام گذاشت. سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ دوران اوج فعالیت مطبوعاتی شهید آوینی است. آثار او در طی این دوره نیز موضوعات بسیار متنوعی را شامل می‌شود. هرچند آشنایی با سینما در طول مدتی بیش از ده سال مستند سازی و تجارب او در زمینه‌ی کارگردانی مستند و به خصوص مونتاژ باعث شد که قبل از هرچیز به سینما بپردازد. ولی این مسئله موجب بی‌اعتنایی او نسبت به سایر هنرها نشد. او در کنار تألیف مقالات تئوریک درباره ماهیت سینما و نقد سینمای ایران و جهان، مقالات متعددی در مورد حقیقت هنر، هنر و عرفان، هنر جدید اعم از رمان، نقاشی، گرافیک و تئاتر، هنر دینی و سنتی، هنر انقلاب و... تألیف کرد که در ماهنامه‌ی «سوره» به چاپ رسید. طی همین دوران در خصوص

شهید آوینی و گروه فیلم‌برداران روایت فتح سفر به مناطق جنگی را از سر گرفتند و طی مدتی کم‌تر از یک سال کار تهیه‌ی شش برنامه از مجموعه‌ی ده قسمتی «شهری در آسمان» را به پایان رساندند و مقدمات تهیه‌ی مجموعه‌های دیگری را دربارهی آبادان، سوسنگرد، هویزه و فکه تدارک دیدند. شهری در آسمان که به واقعه‌ی محاصره، سقوط و باز پس‌گیری خرمشهر می‌پرداخت در ماه‌های آخر حیات شهید آوینی از تلویزیون پخش شد، اما برنامه‌ی وی برای تکمیل این مجموعه و ساختن مجموعه‌های دیگر با شهادتش در روز جمعه بیستم فروردین ۱۳۷۲ در قتلگاه فکه ناتمام ماند



# مگر می شود

فکته انتخاب شد. گویا زمان آن فرا رسیده بود تا مسیری را که سید مرتضی برای جست و جوی حقیقت آغاز کرده بود با رسیدن به حقیقت به پایان برسد. من می گویم: ارباب نوکر خویش را فراخواند و ندای الرجیل اش به گوش سیدمرتضی رسید و مگر می شود ارباب ندای الرجیل سردهد و نوکر لیبک نگوید؟ و چنین شد که در روز ۲۰ فروردین سال ۱۳۷۲ سید مرتضی آوینی که برای روایت عاشورای سال ۶۱ سفر کرده بود، خود نیز عاشورایی دیگر رقم را رقم زد! شاید مقدر بود داستان کانال کمیل و حنظله در همان نقطه باقی بماند و روایت شود و برای شنیدنش باید خود را از این دنیای خاکی رها کنی و پا به خاکی بگذاری که قطعه ای از بهشت است و راویانش بهشتیان



سید مرتضی ای که قبل و بعد از جنگ در میان کارهایش از مظلومان و مستضعفان و نبرد حق و باطل از جیرفت تا فلسطین و جبهه های لبنان غافل نشد و با شروع جنگ تحمیلی همراه با گروه جهاد اولین گروهی بودند که به جبهه نبرد پیوستند، اینگونه کار خود و رفقایش را توصیف می کرد: انگیزش درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیونی جهاد سازندگی جمع آمده بودند آن‌ها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاند، نه وظایف، و تعهدات اداری. اولین شهیدی که دادیم علی طالبی بود که در عملیات طریق القدس به شهادت رسید و آخرینشان مهدی فلاحت‌پور است که همین امسال در لبنان شهید شد؛ و خوب، دیگر چیزی برای گفتن مانده است، جز آنکه ما خسته نشده‌ایم و اگر باز جنگی پیش بیاید که پای انقلاب اسلامی در میان باشد، ما حاضریم. می‌دانید! زنده‌ترین روزهای زندگی یک «مرد» آن روزهایی است که در مبارزه می‌گذراند و زندگی در تقابل با «مرگ است که خودش را نشان می‌دهد و اواخر سال ۷۰ به دستور آیت الله خامنه ای موسسه روایت فتح تاسیس شد، تا وصالی عاشق به معشوق را میسر سازد و مسیر طی شده را به انتها برساند. سید مرتضی که در

ی کرده به ۲۱ بهمن ماه بیات و الفجر مقدماتی؛ منطقه : زمانی که سپیداران این نانه و غریبانه همچون امام زون غلطیدند اما تا لحظه ی مقاومت در برابر یزید اشتند. خاک فکه از همان ابتدا بومیت عجین شده بود؛ گویی عه از زمین را آماده کرده بود دوزی فرزندان از نسل خمینی دور شمع چرخیده و سرانجام ووزند. انگار از ابتدا مقرر گشته ل بعد سید مرتضی روایتگر برای تکمیل رسالتش و روایت بدای این سرزمین پا به این سید مرتضی ای که، قبل از کبیر کسی فکرش را هم نمی چند فرسخی این خاک عبور به اینکه این خاک، معراج او : برای توصیف آدم‌ها بروید به بفهمید آن‌ها چگونه فکر بر این مسئله نائل آمدید آن د آن فرد را توصیف کنید؛ و که می توان در مورد سید : این است وی همیشه به

## سنت و مدرسه

برای بشر مدرن هر چیزی که ایجاد فراموشی کند، ارزش دارد. از جمله سینما و فیلم که باعث شده انسان با شریک شدن در تجربه‌های شخصی دیگران خود را فراموش کند و لذت ببرد. بنابراین فیلم و سوپرستاری که بیشترین فراموشی را به بیننده القا کند، محبوبتر است. اما در مفاهیم دینی هر چیزی که ارغمانش فراموشی باشد، مورد مذمت قرار گرفته و حتی حرام دانسته شده است. مفهوم خلوت که نزدیکترین مفاهیم به ذکر است در مدرنیته حذف می شود چون خلوت برای انسان مدرن دهره می آورد و موجب یادآوری می شود

## جرمان عقلانیت اسلامی

این رویکرد در مقابل روشنفکرانی شکل گرفت که، معتقدند جامعه باید فضای سکولار داشته باشد و اسلام در حوزه آیین های عبادی بماند، جریان شناسها اسامی مختلفی را برای این جریانات فکری برگزیده اند یکی از این گروه ها، عده ای روشنفکر مذهبی بودند که ادبیات عدالت خواهانه خود را از چپ های مارکسیستی و ادبیات دینی خود را از روحانیت به عاریه گرفته بودند، اینها یا خودشان روحانی بودند یا ریشه در روحانیت داشتند. امام خمینی یکی از این معدود متفکرانی بود که در ادبیات چپ و مارکسیستی نماند، در واقع امام منظومه ای از

## دوسال، دانشگاه

می کنند؛ مثلاً در جایی از تعبیر روحانیت احقق استفاده می کنند و می فرمایند: خون دلی که پدر پیرتان از بین دسته متعجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورده است

## اقای نامده

برای نهادهایه کردن تفکر امام خمینی در این کشور باید راهی طولانی می پیمودیم. دانشگاهی که انقلاب اسلامی از پهلوی تحویل گرفت، به صورت کامل از اروپا و اواخرش از آمریکا وارد شده بود. دوسال، دانشگاه را به اسم انقلاب فرهنگی تعطیل کردند. دانشگاه ها که باز شد. فقط ظاهرش عوض شده بود، مثلاً عکس امام را گذاشتند اول کتابها و دو واحد اخلاق و معارف به مواد درسی افزودند. نهادهایه کردن انگاره های

عقلانیت اسلامی و تفکر امام در دانشگاه

نماینده می خواست و چه کسی بهتر از

آوینی! شهید آوینی مزیتی داشت که سبب

شد بسیاری بعد از او تحت تاثیرش باشند،

اما در کمال تعجب باید اقرار کرد که

جنبه های هنری و سینمایی و رسانه ای شهید

آوینی حجابی بر اندیشه های او شده است.

آن تجلی هنری در روایت فتح در واقع شهود

شهید آوینی بود. بعد نظری و معرفتی شهید

آوینی بود در همان چندین اثر ایشان است

که منتشر شده است. برخی از کسانی که در

دانشگاه های ایران

تفکر امام را

آوینی حکیم هنرمندی بود که امام او، مقام معلم است. معلم سلوک فکری و فرهنگی کسانی است انقلاب اسلامی راه می پیماید. آوینی این بود که از راهی طی شده بود و او بود که به تحول داد، پس از کفر به طاغوت دعوت کرد، پیاری فقط از طریق روایت فتح اطن آوینی است، با او آشنا حقیقت این است که آوینی به تفکر و متعهد به تمامی شئون ای انقلاب اسلامی است و درباره بنیادهای فرهنگی، اقتصادی، رسانه ای روزگار ما سخن گفته نقد کرده، گاهی هشدار داده و ما را برای آینده بازگو کرده است. با سیدمرتضی آوینی، باید ابتدا چه مختصات تاریخی و فکری کرده است. او و بسیاری از صر ما از مسیر مطالعات مشهور جدد یا غرب شناسی شناخته می کسانی که تلاش داشته اند برای بسطش های معاصر درباره هویت امام در مواجهه با غرب پاسخی بنیادین از این متفکران به راهی بنیادین گذاران بنیان های فکری آوینی هم در این میان سنجیده این وصف که او متفکر دوران است و مسائل انقلاب اسلامی

مرتضی آوینی سزاوار شناخته شدن است و امروز جای خالی تدریس اندیشه های او درباره هنر و سینما کاملاً حس می شود. شخصیت او باید شناخته شود؛ به خصوص که ویژگی‌های منحصر به فردش چهره‌ای از او آشکار کرده است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت

## کاش آوینی

## برای نسل

## امروز بانی

## می ماند

## هر چند که ماندن او

او همان کسی است که معتقد بود تخصص حقیقی در سایه‌ی تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر به قول یکی از همسنگران‌ش آثار سید مرتضی حکایت از هنرمندی دارد که تعلقاتش به دنیا را بریده و آزادانه به پرواز درآمده و به دنبال یافتن جایگاه خود، از این سو به آن سو در حرکت است. این روزها جای خالی اندیشه‌ی آوینی که با فلسفه و مبانی نظری دنیای رسانه آشنا باشد، کاملاً مشهود است. او همیشه بر آن بود تا با قلمش در برابر هرگونه انحرافی در مسیر انقلاب اسلامی بایستد. در نوشته‌هایش به موضوعاتی بر می‌خوریم که دقیقاً مشکلات امروز ما است. او همیشه سعی داشت تا راه به سوی آینده را پر رنگ کند و به همین دلیل بود که برای تولید اهمیت بسیاری قائل می‌شد و تلاش می‌کرد اندیشه‌های خود را در آثاری که تولید می‌کند، متجلی سازد. او هم در مقام تولید فکر و هم در مقام تولید اثر، فردی خلاق، فطال و اثرگذار بود. ای کاش دغدغه‌های او را هنرمندان امروز ما داشتند. این روزها جای خالی او در سینمای امروز ایران حس می‌شود. این جای خالی نه تنها به دلیل توانمندی‌های او در ساخت مستند، قلم‌رسان یا صدای ماندگارش است بلکه بیش از هر چیز به علت تلاش، ها و نظ به تدازی، هاب، است که

؛ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گذاشت. به اقتضای ضرورت‌های ملم‌سازی رفت و کارش را با ساختن باره غائله گنبد، سیل خوزستان و کرد. در سال ۵۸ با شروع کار جهاد ست و معتقد بود که در گروه است که نسبت به همه‌ی واقعی‌س‌سلامی پیش می‌آید عکس‌العمل جهاد سازندگی را می‌توان گفت بایستی بود که پس از شروع جنگ روزهایی که خرمشهر در محاصره بلم وارد این شهر شد. وقتی به هنوز خونین‌شهر نشده بود. شهر گرچه احساس نمی‌شد که این ام باشد و زیاد هم دوام نیاورد. تنیم و شبانه‌روز پای میز موویلا ن فیلم مستند جنگی درباره‌ی ن پخش شد؛ فتح خون» پس از ایطه با جبهه‌های جنگ ساخت «پخش شد «شهری در آسمان» با شهادتش در بیستم فروردین اتمام‌ماند. شهید آوینی نماد یک د است که وحدت نظر و عمل





عکس: ملذیه نیاری